

«عدالت و مبارزه با فساد» نیاز حیاتی انقلاب اسلامی

راهکارهای شبه‌پزشکی مقابله با سرطان فساد



■ **دکتر حسینعلی رضائی**

امنیت؛ پایه و اساس حرکت به سوی پیشرفت همه‌جانبه‌است و وجود تهدید مانع اساسی این حرکت محسوب می‌شود. امنیت‌بستر حرکت جامعه به سوی تعالی و پیشرفت است و پیشرفت که با یاد همه‌جانبه باشد بر مبنای «عدالت» شکل می‌گیرد؛ بنابراین ارتباط تنگاتنگی بین امنیت با عدالت وجود دارد. بقای انقلاب اسلامی با احیا، جفقا و گسترش امنیت میسر بوده و بقای سیستم با عدالت امکانپذیر است.

■ ■ ■

■ **احیای عدالت هدف کلیدی تمدن اسلامی**

در مقابل عدالت با مفهومی به نام ظلم مواجه هستیم. ظلم و فساد، عامل اصلی بروز نارضایتی و طغیان سیستمی و قرار گرفتن اجزای سیستم در جریان انقلاب است. ظهور انقلاب‌ها در جوامع بیانگر نارضایتی اکثریت توده از عملکرد اقلیت حاکم است. عواملی همچون سوء مدیریت، فساد سیستمی، دپوی قدرت و ثروت نزد اقلیت حاکم، ظلم و بی‌عدالتی انحصارطلبی، حس برتری و سلطه‌جویی، شکاف بین جامعه با سیاست، شکل‌گیری روابط گیسردد بنابران اقتصادی و سیاسی، مافیای و رانت اطلاعات، ازدواج فامیلی بین سیاسیون و تجار، زن‌های خوب و برتر، لابی ثروت و انحصار و سوءاستفاده از چرخه اطلاعات و... حکومت و نظام غالب را به سمت آشوب و انقلاب‌نزدیک می‌کند تغییر سنت لایتغیر نظام مادی و متکثر هستنی است که قال‌الله تعالی فی کتابه **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْتَزِرُ مَا يَقُومُ خَتَى يُنْجِرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ** (رعدآیه ۱)

احیای تمدن اسلامی خود دارای هدفی برتر یعنی تحقق ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جامعه است. حکومت اسلامی بزرگ‌ترین عامل و نیرومؤدترین ابزار برای اجرای عدالت اجتماعی است، اما از بسوی دیگر باید دانست که حکومت اسلامی خود مبتنی و متکی بر «عدالت» است و اجرای قوانین در درون جامعه اسلامی باید بر اساس عدالت و دوری از تبعیض و ظلم و ستم صورت گیرد؛ بنابراین احیاگری در این زمینه نیز خود حائز اهمیت و الااست و امام امت در این بعد از ابعاد فکری اسلام نیز تلاش و کوشش بی‌درغ خود را در جهت احیای اندیشه عدالت‌خواهی و مینا قرار دادن عدالت در تمام امور به کار گرفت.

عدالت عامل بقا و دوام سیستم‌هاست. عدالت که قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش هست، موجب می‌شود ضمن انسجام درونی، در برابر عوامل فرسایش محیطی، مقاومت کند و دوام بیشتری داشته باشد. حاکمیت جهانی حق، بر پایه عدالت شکل می‌گیرد. ابعاد مختلفی که موجب شکل‌گیری حاکمیت حق و تمدن اسلامی می‌شود عبارتند از: ولایت، عدالت، عبادت، صافقت، امنیت، حکمت، فراوانی و برکت، سعادت آحاد، فضیلت، اخلاق‌محوری، شایسته‌سالاری، یقین معرفتی، کرامت بر مبنای ایمان، زهد و پرهیزکاری، توحیدمحوری، سلامتی، رشد متوازن، کمال علم، آبادانی، صلح، حاکمیت مقتدر جهانی و قانون‌گذاری خدا.

■ **معیار عدالت در جامعه اسلامی**

اگر ابعاد و فصول حاکمیت جهانی حق و تمدن نوین اسلامی را در این امور تعریف کنیم، باید به نقطه کانونی آن نظر افکند و به نظر نقطه کانونی آن مفهومی به نام «عدل» است. پیامبر(ص) در این باره فرمودند: **بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ** اقامه کل هستی بر پایه عدالت است. امام علی(ع) نیز می‌فرمایند: **إِنَّ الْعَدْلَ مِزَانُ اللَّهِ** «شِبْاحَةُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ تَصْنَعُهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَ لَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ».

عدل یعنی: **«وَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ»** هر چیزی را در جای خودش قرار دادن است.

معیار عدل چیست؟ خدا یا انسان؟! از دید اسلام، معیار عدل شرع و در ذیل آن عقل است. عقل در این وادی مؤدب به اخلاق شده و از هر امور ظنی و وهمی ممنون می‌ماند. این در حالی است که در نگاه مادی‌زده غرب مینا و معیار و محک عدالت خرد خودنویسد بشری فرض می‌شود. رجوع به این دو

دیدگاه در ابعاد وجودی انسان، در معنا و برون‌داد عدالت نتایجی را به همراه خواهد داشت.

اصلی‌ترین عامل ایجادکننده اعتماد در یک سیستم توجه به اصل «عدالت» است. وقتی فرد یا افرادی در یک سیستم بر اساس داشته‌های خود خواهان یکسری خواسته هستند و در نتیجه ساختار، سازمان و نظامات با رویکرد ایجاد عدالت، سعی در انطباق کامل این دو؛ یعنی داشته و خواسته باشند، فرد به آن سیستم اعتماد می‌کند و با آن در ارتباط و تعامل خواهد بود. داشته‌های انسان اعم از توانش، دانش و تگرشی که هر سه بعد جسم، فکر و روان را در بر می‌گیرد، دارای برون‌دادی است که باید یک نظام و سیستم به آن توجه کند و به میزان آورده فرد، حقی را برای آن قائل شود. در صورت رعایت عدالت، حق به صاحب حقی که دارای‌هایی داشته و در درون خود با نگاه به آینده مطلوب‌ها و خواسته‌هایی را فرض نموده است، می‌رسد. فرد ابتدا در درون خود انسجام یافته و در ادامه با آن سیستم همراهی خواهد کرد. میزان همراهی به میزان اعتماد فرد بستگی دارد و میزان اعتماد فرد تابع میزان عدالت آن سیستم است.

■ **بی‌عدالتی عامل اصلی آشوب و تعارض جامعه**

چنانچه به هر دلیلی اعم از ساختار، قواعد و قوانین یا مجریان و ناظران، بین داشته و خواسته یک فرد در سطوح و لایه‌هایی که ذکر نمودیم، اختلافی صورت گیرد و به اصطلاح انحراف در خط معیار وضع موجود به مطلوب پدیدار شود، در مقابل «عدالت» مفهوم و عامل «تعارض» شکل خواهد گرفت و فردی که تعارض در او پدید آمده، دچار طغیان سیستمی شده و میل به تقابل با آن می‌یابد.

فردی که توانایی مقابله داشته باشد نسبت به سیستم بازخورد منفی می‌دهد و اگر نت داشته باشد میل به انزوا و گریز از آن سیستم را پیدا می‌کند. با این تحلیل ساده می‌توان تمامی انحراف‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی اعم از خانواده، همسالان و شبه‌گروه‌های دوستان، سازمان و جامعه راناشی از تعارض پدیدار شده در یک سیستم به دلیل رعایت نکردن اصل «عدالت» دانست.

وقتی مفناطیس عدالت در یک سیستم از بین برود، انسجام براده‌های آن به حداقل می‌رسد و سعی در گریز از هسته مرکزی می‌نماید که عامل اصلی آشوب نیز در طبیعت و



اگر ابعاد و فصول حاکمیت جهانی حق و تمدن نوین اسلامی را تعریف کنیم، نقطه کانونی آن مفهومی به نام «عدل» است که پیامبر(ص) در این باره فرمودند: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ

طبیاع انسانی و جوامع همین عامل است. گریز از هسته مرکزی، نتیجه‌ای که به همراه دارد انفجار خواهد بود. هر جزئی از اجزای سیستم خود را در تعامل با دیگری و در نهایت با هسته مرکزی خود که عامل عدالت را حمل می‌کند، می‌بیند و اگر این عامل سست شود و قدرت جذب‌اجزا را از دست دهد، باید منتظر انفجار یا طغیان سیستمی بود.

وحدت و دیگرخواهی و انطباق کامل بین اجزا و نسل‌ها نشان از ضمیر «ما» دارد و تباین و میل به گریز از مرکز نشان از ضمیر «من» خواهد داشت و برای رسیدن به انطباق باید عدالت سیستمی برقرار شود و اعتماد بین اجزا وجود داشته باشد. پیرامون و حاشیه طبق قواعد مرسوم فیزیک و زیست، همیشه با کمترین بر خوررداری همراه هستند. در بین اجتماع انسانی هم به دلیل متن – حاشیه و مرکز – پیرامون دیدن اجزای مختلف، قاعدتا آنها که به سرچشمه‌های ثروت و قدرت دسترسی دارند، از خدمات بهتر و بیشتری برخوردارند. نظام مقدس انقلاب اسلامی این سنت را برهم زده و در این ۴۰ سال تلاش کرده‌است، خدمات را تادورترین نقاط کشور انتقال دهد. انتشار درست انرژی و اطلاعات در

اندام‌واره یک سیستم موجب شکل‌گیری عدالت و در نتیجه اعتماد اجزای دور و نزدیک به هسته مرکزی خواهد شد. هر چند خط معیار عدالتی که رهبر انقلاب طبق سیره امه اطهار(ع) فرض نموده‌اند با وضع موجود فاصله دارد، اما با همه این اوصاف با یک قیاس منطقی بین این نظام با دیگر کشورها و انقلاب‌ها، بر جاری بودن عدالت در جای جای آن اشاره دارند. ایشان برای بر کردن این فاصله بر حضور جوانان پرشور و عدالتخواه تأکید دارند.

عدالت و امنیت اجتماعی، رابطه متقابل دارند؛ یعنی امنیت اجتماعی زمینه دادگرایی و توازن بخشی و دادگرایی و توازن بخشی، زمینه امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی موجب می‌شود سسر مایه‌ها از گر دونه کارهای سازنده اقتصادی خارج نشود. کارهای کاذب و سودهای لخبه‌ای و تورم‌ساز اقتصاد جامعه را بیمار نسازد. نیروی جوان با امید و دلگرمی به تولید و تلاش مشغول باشد و کار گر و کارفرما از همبستگی و همکاری میمانه بهره برند. امام علی(ع) می‌فرماید: عدالت نظام حکومت است.

امنیت اجتماعی در بر تو عدالت پدید می‌آید. وقتی مردم اطمینان یافتند حق پایمال نمی‌شود، بهای کار و کالای مردمان برابری و برادری سرشار می‌شود. هر کس می‌تواند نیازهایش را از شیوه‌های عادلانه تأمین کند و هیچ مقام اقتصادی و اجتماعی نمی‌تواند به دیگران ستم روا دارد، آرامش و امنیت واقعی در جامعه پدید می‌آید و انسان‌ها از احساس برابری و برادری سرشار می‌شوند. در این موقعیت جامعه به استواری و انسجامی پولادین می‌رسد و نظام حاکم از کمک و پشتوانه خارجی بی‌نیاز می‌شود. انسجام اجتماعی که برآیند آگاهی، اعتماد و مشارکت‌جویی آحاد جامعه‌است، از عدالت اجتماعی و اقتصادی ناشی می‌شود.

■ **عدالت عامل ایقا و مانیایی سیستم**

عدالت، در سایه‌سار خلوص نیت و نگاه عبادی به خدمت



می‌توان تمامی انحراف‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی اعم از خانواده، همسالان و شبه‌گروه‌های دوستان، سازمان و جامعه راناشی از تعارض پدیدار شده در یک سیستم به دلیل رعایت نکردن اصل «عدالت» دانست

حاصل می‌شود. نظام‌های مادی برای احیای عدالت و رفاه اجتماعی تمام مکانیسم‌های قانونی را به کار می‌گیرند، اما در نهایت با وجود جبر و فشار بیرونی رفتار و کنش باز یگرانی را که در عرصه خدمت‌رسانی فعال هستند، کنترل و نظارت می‌کنند. عدالت ناشی از جبر و فشار بیرونی، نتیجه‌ای مقطعی و زودگذر دارد، اما در نگاه اسلامی، نظارت و کنترل کاملاً درونی بوده و عالم محضر خدا فرض می‌شود و کنترل همه جا خود را در برابر خدا می‌بیند. انسان مؤمن، ضمن درک حضور خدا با رویکردی اخلاقی درون خویش را خالص کرده و قربت‌الی الله به خدمت خلق مشغول می‌شود. عدالت وجدانی از حوزه «من» عبور کرده و به دیگرخواهی و «ما» می‌رسد و عدالت فطری از «من و ما» عدول می‌کند و به «او» می‌رسد. اینجا دیگر خاندان، قوم، نژاد و ملیت مطرح نیست و فرد برای رضای خدا از همه چیز خود می‌گذرد؛ عدالتی که برای رضای خدا باشد، همیشگی و ماندگار خواهد بود.

عدل به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش و عدالت، دادن حق به ذی‌حق است. سیستم‌ها بر پایه قرار گرفتن اجزا با تعیین حدود و ثغور تعاملی آنها با یکدیگر، شکل گرفته و به دوام خود در بین سیستم‌های دیگر ادامه می‌دهند. عدالت موجب مانیایی یک سیستم می‌شود. عدالت، تیغ تیز تعیین حدود حقوق اجزای سیستمی است. عدالت، چنان تلخ‌است که با حد‌زدن به پدیده یا شیئی، موجب درد آن شده و چنان شیرین است که با حد‌زدن به پدیده یا شیئی موجب شادی آن می‌شود. اما این درد و شادی موجب آن نمی‌شود که برای احیای حق و حدود، تسامح و تساهلی به خرج داد. با برهم خوردن میزان و حدود در یک سیستم باید منتظر آشوب و در هم ریختگی بود. عدالت مانند حراری است که به موجب آن تمام اجزای سیستم در هم ذوب می‌شوند. عدالت در منظومه هستی، مانند قوه جاذبه عمل می‌کند و به واسطه آن تمام ارکان منظومه حول جاذب‌ترین یا همان عادل‌ترین پدیده در مدارهای مشخص خود در حال گردش هستند و از حول آن محور خارج نمی‌شوند.

سیستم‌ها در ارتباط با سیستم‌های دیگر هستند و مقاومت سیستمی امری طبیعی است. مقاومت موجب کندی و فرسایش سیستم در مسیر حرکت می‌شود. سیستم‌هایی که دارای انسجام درونی بیشتری هستند، یعنی عدالت در آن جاری است، از دوام و بقای بیشتری در نسبت با دیگر سیستم‌ها برخوردار خواهند بود.

■ **مبارزه با فساد به مثابه سرطان**

انقلاب اسلامی به مثابه یک کلان سیستمی است که با ید از بالا تا پایین تا کوچک‌ترین اجزای آن عدالت جاری باشد. حد و ترتیب عدالت صدر و ذیل نمی‌شماند. اجزای انقلاب به میزان آورده خود، از آن بهره خواهند برد. هیچ جزئی از اجزای سیستمی نباید حول گردونه قدرت و ثروت به بهره‌گیری و استثمار بپردازد. تجمع قدرت و ثروت در توده‌ای از اجزا و سلول‌ها موجب ترومای سیستمی می‌شود. انقلاب به مثابه یک اندام‌واره در مقابل شکل‌گیری هر توده و بافت سلولی سرطانی که برای خود و خاندان خود سهم بیشتری از انرژی(ثروت و اقتصادی) و اطلاعات (قدرت و سیاست) خواهند است، ایستاده و چنانچه مقاومتی مشاهده کند، آن بافت یا عضو را جراحی می‌کند.

تجمع بیش از حد انرژی یا همان ثروت در یک محیط یا بافت اندامی موجب فساد سیستم می‌شود. فساد مانند چرکی است که در این روش سلول و سرطانی با ایجاد روابط نادرست اما طبق قواعد سلول‌های سالم، درست و صحیح؛ اجازه‌دی‌کد کردن هسته مرکزی زنی یا همان «دی‌ان‌ای» را کسب می‌کند و با استفاده ز رانه زیر از چهل سلولی، زمام آنها را در اختیار می‌گیرد. گسترش رشته‌های سلول‌های سرطانی

در سطح و عمق بدن، به میزان حماقت سلول‌های بافت سالم بستگی دارد. با عظیم‌تر شدن و ریشه دواندن توده سرطانی، قلب با پمپاژ خون و مغز با ارسال امواج، چاره‌ای جز تغذیه آن ندارد. رانت و مافیای انرژی و اطلاعات در این توده جمع می‌شوند، اختلال در سیستم خورنرسانی و عصبی از ویژگی‌های سلول‌های سرطانی است. در این میان در راهبردهای مرسوم درمانی که بیشتر حالت تهاجمی به خود می‌گیرد، پزشک چاره‌ای جز جراحی و خارج کردن توده سرطانی از بدن ندارد. لازم به ذکر است که توده سرطانی باید کاملاً از بدن خارج شود، وگرنه با باقی‌ماندن بخشی از رشته‌ها و ریشه‌های بافت سرطانی، بیماری دوباره عود می‌کند.

علمای علم پزشکی معتقدند در حال حاضر پنج درمان اصلی برای سرطان وجود دارد که عبارت‌ند از: جراحی، شیمی‌درمانی، هورمون‌درمانی، پرتودرمانی و ایمنی‌درمانی یا درمان بیولوژیکی که شاید بتوانی رویکردی تطبیقی، آنها را برای درمان سرطان فساد سیستمی در ارگانیسم انقلاب اسلامی مورد مطالعه و بررسی و تعمیم قرار داد.

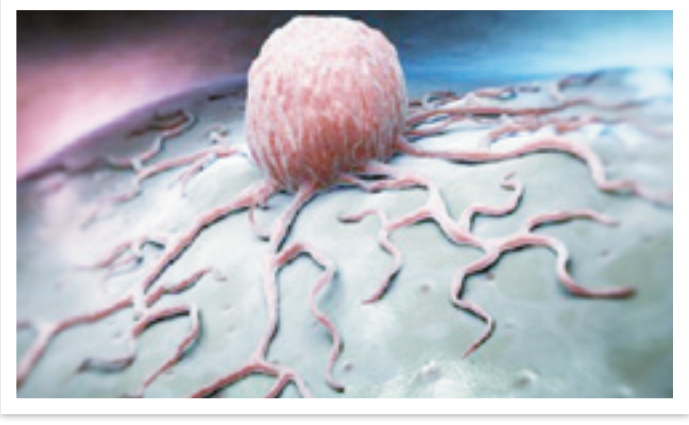
■ **یکم: جراحی فساد**

جراحی با همان رویکرد قضایی و سلبی و حذف فیزیکی که مؤثرترین و سریع‌ترین درمان برای تومورهایی است که در مراحل اولیه رشد هستند و هنوز گسترش نیافته‌اند.

این تنها راه قابل اعتماد برای حذف کامل یک تومور است. با این حال، تضمینی در دراشته شدن همه بخش‌های میکروسکوپی تومور که ممکن است گسترش یافته باشند وجود ندارد که این موضوع در جریان شکل‌گیری توده‌های بدخیم ظلم و بی‌عدالتی مشهود و ظاهراً غالب است. تجربه پزشکی نشان داده است ضرب موفقیت حذف سرطان توسط جراحی چندان بالا نیست؛ مگر آن که سایر مسیرهای مبارزه بیشتر مورد اقدام قرار گرفته باشند.

■ **دوم: پرتودرمانی فساد**

درمان‌های مبتنی بر رادیولوژی، از ذراتی با امواج پر قدرت نظیر اشعه‌های X یا اشعه‌های گاما بهره می‌گیرند. این امواج تخریب‌کننده به منظور ایجاد آسیب‌های زنتیکی روی تومور پرتوافکنی می‌کنند که این کار سبب مرگ سلول‌های سرطانی می‌شود. از آنجا که بافت‌های سالم بدن پس از پرتو درمانی بسیار بهتر از سلول‌های سرطانی بهبود می‌یابد – چون سلول‌های سالم آسیب «دی‌ان‌ای» خود را بهتر ترمیم می‌کنند – تأثیرات جانبی منفی اغلب مدت زمان کوتاهی ادامه می‌یابد. شکل‌گیری یک جریان قوی‌سازدگر می‌زی(تواند حکومتی یا مردمی باشد) و بر خورد شدید و ضرب‌الاجلی آن با مراکز



عدالت رها شده و در مدار آشوب‌زده خواسته‌های نفسانی، سرگردان هستند از وحدت فطری به کثرت طبیعی مایل شده‌اند؛ بنابراین منفعت‌طلبی اصل اساسی تمام معادلات بشری خواهد بود. نصب سنجی‌ها نه بر اساس قانون، عدالت، حق، تکلیف یا شرع که بر اساس منیت و نفسانیت‌ها شکل می‌گیرد. جریان حرکت انسان‌ها در عصر حاضر خلاف حکمت خلقت و فطرت و بر پایه خرد آدم، آغاز شده و تا قیامت ادامه خواهد داشت. یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحطاط جوامع بشری به ویژه در جوامع دینی این است که طرز تفکر افراد جامعه در مورد مبارزه و مقابله با ظلم و ستم و طرز تصور آنها در مورد عدالت و عدالت‌خواهی بمبید. در این صورت جامعه در برابر ظلم و ستم تسلیم می‌شود و ظلم و ستم را می‌پذیرد؛ بنابراین اشرار و بدترین افراد بر جامعه مسلط می‌گردند. امام علی(ع) در بخشی از سخنان خویش بی‌تفاوتی آگاهانه نسبت به امور پیرامونی و ترک امر به معروف و نهی از منکر (با همان قیام علیه فساد ظاهری) را دلیل اصلی سقوط تمدن‌ها می‌داند.

نه تنها ترک ظلم‌ستیزی و مرگ تفکر عدالت‌خواهی باعث سلطه اشرار و ستمگران بر جامعه می‌شود، بلکه شریعت و دین (و در واقع تفکر دینی و مذهبی در انقلاب اسلامی نیز قوام و پایه خود و در نتیجه قدرت و سلطه سلول‌های سرطانی پنهانی و لایه‌لای‌دی در وجود عدالت دچار فساد سیستمی می‌شود و از درون اجزا شروع و به بین کردن خود می‌کنند. در این میان فسادهای سیاسی و اقتصادی در صدر قرار می‌گیرند. فساد درونی حتی نیاز به تهدید بیرونی نخواهد داشت و در این میان تهدید با همان دشمن در گوشه‌ای نشسته و تنها نظاره‌گر از هم پاشیده شدن سیستم انقلاب خواهد بود.